

یادداشت‌های پراکنده افکار پریشان

اقبال لاهوری

مترجم: محمد غلامی



یادداشت‌های پراکنده

افکار پریشان

سرناسه	: اقبال لاهوری ، محمد، ۱۹۳۸-۱۸۷۷م.
عنوان و نام پدیدآور	: یادداشت‌های پراکنده افکار پریشان
نویسنده:	: اقبال لاهوری؛ مترجم: محمد غلامی.
مشخصات نشر	: تهران: نشر علم، ۱۴۰۲.
مشخصات ظاهری	: ۱۹۲ ص.
شابک	: ۹۷۸-۶۲۲-۲۴۶-۴۳۲-۵
فهرست‌نویسی	: فیپا
عنوان اصلی	: Stray reflections : the private notebook of Muhammad Iqbal
شناسهٔ افزوده	: غلامی، محمد، مترجم
رده‌بندی کنگره	: BPV/۲۳۳
رده‌بندی دیویی	: ۲۹۷/۹۹۸
شمارهٔ کتابشناسی ملی	: ۹۲۱۷۵۳۶

یادداشت‌های پراکنده
افکار پریشان

نویسنده

علامه اقبال لاهوری

مترجم

محمد غلامی



علامه اقبال لاهوری

یادداشت‌های پراکنده، افکار پریشان

محمد غلامی

چاپ اول: ۱۴۰۲
شمارگان: ۵۵۰ نسخه
لیتوگرافی: باختر
چاپ: مهارت نو
قطع: رقعی
صفحه‌آرایی: محمد علی پور

شابک: ۵ - ۴۳۲ - ۲۴۶ - ۶۲۲ - ۹۷۸



حق چاپ محفوظ است.

تهران، خیابان انقلاب، خیابان ۱۲ فروردین
خیابان شهدای ژاندارمری، بن بست گرانفر، پلاک ۴
تلفن: ۶۶۴۱۲۳۵۸ - ۰۲۱



Www.elmpub.com



info@elmpub.com



nashreelm

فهرست موضوعات

- پیشگفتار مترجم ۱۷
- یادداشت خرم علی شفیق بر چاپ سوم ۱۹
- یادداشت‌های پراکنده، ۱۹۱۰ ۲۱
- ۱ هنر ۲۳
- ۲ مکاشفه ۲۴
- ۳ عقلانیت انسان ۲۵
- ۴ اقتصادهای خیر ۲۶
- ۵ وجود خدا ۲۷
- ۶ گفتمان ۲۸
- ۷ به هیچ راضی شدن ۲۹
- ۸ روان شناسی بی رحمانه ۳۰
- ۹ قدرت باور ۳۱
- ۱۰ خدای اسلام ۳۲

۳۳	۱۱ نظام فلسفی هگل
۳۴	۱۲ پانزدهم می ۱۹۱۰
۳۵	۱۳ گونه‌های دولت
۳۶	۱۴ شعر و حقانیت منطق
۳۷	۱۵ بی اخلاقی شخصی
۳۹	۱۶ تاریخ
۴۰	۱۷ ماوراءالطبیعه
۴۱	۱۸ تعصب گرایی
۴۳	۱۹ میهن دوستی
۴۵	۲۰ عدالت
۴۶	۲۱ وحدت مسلمانان
۴۸	۲۲ قوم ژرمن
۴۹	۲۳ هندوی مدرن
۵۰	۲۴ راستی و قدرت
۵۱	۲۵ آینده‌ی افغانستان
۵۲	۲۶ زندگی به مثابه‌ی نقد شعر
۵۳	۲۷ مسیحیت اروپایی
۵۴	۲۸ مسیح و اسپینوزا
۵۵	۲۹ ارسطو
۵۶	۳۰ شیدایی نیچه
۵۷	۳۱ اورنگ زیب
۵۹	۳۲ فتح ایران باستان
۶۰	۳۳ غالب
۶۱	۳۴ تعلیم ملت‌ها

۶۲	۳۵	محبوبیت یک شعر
۶۳	۳۶	هگل، گوته، غالب، بیدل و وردزورث
۶۴	۳۷	حکایات
۶۵	۳۸	یهود و مدنیت
۶۶	۳۹	مازینی
۶۷	۴۰	وابستگی علم به ماوراءالطبیعه
۶۸	۴۱	علم مدرن و دموکراسی
۶۹	۴۲	ارتباط بین ایده‌ها و بافت تاریخی آن‌ها
۷۰	۴۳	تعدد زوجات
۷۲	۴۴	ایده آل ربانی قوم ژرمن
۷۳	۴۵	در باب مودت در حق دشمنان
۷۴	۴۶	باورها
۷۵	۴۷	مستولیت مردان سفید پوست
۷۶	۴۸	فاوست گوته
۷۷	۴۹	میلتون
۷۸	۵۰	روح اسکار وایلد
۷۹	۵۱	ملل سارق
۸۰	۵۲	حافظه‌ی انسانی
۸۱	۵۳	سرگرمی‌های موجود در کشورهای اسلامی
۸۲	۵۴	قدرت اقلیت‌ها
۸۳	۵۵	شک‌گرایی و دین
۸۴	۵۶	شعر عرب
۸۵	۵۷	حیرت
۸۶	۵۸	دوره‌ی حیاتی مسلمانان هند

۸۷ تفسیر تاریخ	۵۹
۸۸ برابری	۶۰
۸۹ ارزش امور	۶۱
۹۰ غایت تعلیم	۶۲
۹۱ خداوند قدرت است	۶۳
۹۲ انسان قدرتمند	۶۴
۹۳ لمس قدرت	۶۵
۹۴ تفکر انسان قدرتمند	۶۶
۹۵ در انتظار مهدی موعود	۶۷
۹۶ ایده‌ی ملی‌گرایی	۶۸
۹۷ سلسله اوامر کانت	۶۹
۹۸ نجات موجودات رو به انقراض	۷۰
۹۹ کنترل نفس	۷۱
۱۰۰ بت پرستی	۷۲
۱۰۱ تاریخ حیرت‌انگیز جامعه‌ی مسلمانان	۷۳
۱۰۲ بازسازی این جهان	۷۴
۱۰۳ رنج	۷۵
۱۰۴ بی‌کرانی	۷۶
۱۰۵ شاعر و روح جهان	۷۷
۱۰۶ ابهام و عدم برهان	۷۸
۱۰۷ گرامافون تاریخ	۷۹
۱۱۰ عبادت بدون عمل	۸۰
۱۱۱ موفقیت در حیات	۸۱
۱۱۲ رهبر عموم شدن	۸۲

۱۱۳ انسان موفق
۱۱۴ ذهن کاهل
۱۱۵ ارزش اخلاقی رنج
۱۱۶ کتابخانه‌ی بزرگ
۱۱۷ معجزات
۱۱۸ دموکراسی
۱۱۹ دموکراسی و امپریالیسم
۱۲۰ خوانندگان اخلاق‌گرا
۱۲۱ مصلح‌گران جوان و زن مسلمان
۱۲۲ شعرا و سیاستمداران
۱۲۳ فلسفه و شعر
۱۲۴ افلاطون و گوته
۱۲۵ جذاب‌ترین پدیده بر روی زمین
۱۲۶ هم‌رنگی عاری از جزم اندیشی
۱۲۷ غروب کرانه‌های راوی
۱۲۸ حیات سیاسی حقیقی
۱۲۹ اهمیت ازدواج درست
۱۳۰ خدا و شیطان
۱۳۱ اندیشیدن به شیطان
۱۳۲ سپاسگذاری
۱۳۳ روان‌شناس و شاعر
۱۳۴ انگیزه‌های گردآوری قراین
۱۳۵ چیدمان ذهن انسان
۱۳۶ انسان و بی‌نهایت

- ۱۰۷ شاعر به مثابه‌ی یک انسان ۱۳۷
- ۱۰۸ اثرات فلسفه و شعر ۱۳۸
- ۱۰۹ شکسپیر و گوته ۱۳۹
- ۱۱۰ ارزش لحظه ۱۴۰
- ۱۱۱ تجربه و دانش ۱۴۱
- ۱۱۲ حقایق معمول ۱۴۲
- ۱۱۳ هوراس، دومونتاين و آزاد ۱۴۳
- ۱۱۴ نقد ادبی ۱۴۴
- ۱۱۵ گوته و هاینه ۱۴۵
- ۱۱۶ حافظ ۱۴۶
- ۱۱۷ عشق به سان کودکی بازیگوش ۱۴۷
- ۱۱۸ در جستجوی خرد ۱۴۸
- ۱۱۹ انسانی با یک ایده‌ی منحصر به فرد ۱۴۹
- ۱۲۰ تنها هنر است که لا یتناهی است ۱۵۰
- ۱۲۱ دانش حقیقی و رشد اخلاقی ۱۵۱
- ۱۲۲ تملق ۱۵۲

افکار پریشان، ۱۹۱۷ ۱۵۵

۱ شعر نظیری ۱۵۶

افکار پریشان، ۱۹۲۵ ۱۵۷

۱ ضعیف و قوی ۱۵۹

۲ پرسش ۱۶۰

۳ اسلام ۱۶۱

۴ توحید در اسلام ۱۶۲

- ۱۶۳.....ایثار ۵
- ۱۶۴.....زایش دوباره‌ی اومانسیم ۶
- ۱۶۵.....دانش و سرنوشت ۷
- ۱۶۶.....معراج ۸
- ۱۶۷.....آزادی انسان ۹
- ۱۶۸.....زمان حال ۱۰
- ۱۶۹.....کلام پایانی
- ۱۹۱.....ضمیمه
- ۱۹۲.....نوشته‌هایی نایاب از اقبال

قرن‌ها قلب شرقی و عقلانیت غربی، غرق درگیر این پرسش بوده
است:

آیا خدا هست؟

من پرسشی دیگر را مطرح می‌کنم و آن برای شرقیان تازگی دارد:

آیا انسان هست؟

ملتها در قلوب شعرا متولد می شوند و در دستان سیاستمداران از
میان می روند.

در وجود شخصیت و تخیل سالم، این امکان پدید می‌آید که این
عالم مملو از معصیت و مصیبت به فردوس برین بدل گردد.

یافتن منطق در شعر امری بیهوده است. تصور تخیل زیباتر است نه حقیقت. پس در پی این نباشید که بزرگی یک شاعر را با نقل عباراتی از کار او نشان دهید که در مخیله‌ی شما است و نشان از حقیقت علمی دارد.

پیشگفتار مترجم

علامه اقبال لاهوری، فیلسوف، عارف، شاعر و اسلام شناس و اهل پاکستان بود و از جمله نخستین کسانی بود که ایده‌ی یک کشور مستقل را برای مسلمانان هند مطرح کرد و این ایده نهایتاً به پیدایش کشور پاکستان انجامید. وی که متولد ۹ نوامبر ۱۸۷۷ در سیالکوت پاکستان و در گذشته‌ی ۲۱ آوریل ۱۹۳۸ لاهور این کشور می‌باشد، کسی است که در لاهور تحصیل کرد و سپس در کمبریج و مونیخ به مطالعه‌ی فلسفی پرداخت. وی در طول زندگی خود فراز و فرودها و کشف و شهودهای عرفانی بسیاری داشته است که نمونه‌هایی از این تفکرات را در این مجلد خواهیم دید. این کتاب توسط دکتر جاوید اقبال به اردو ترجمه شده است. امید است که مورد توجه شما عزیزان واقع شود.

محمد غلامی

بهار ۱۴۰۲

یادداشت خرم علی شفیق بر چاپ سوم

به منظور ویرایش این مجلد و با کسب اجازه از دکتر جاوید اقبال، من بخش‌های پیشین را نیز حفظ کرده‌ام که شامل مقدمه‌ی دکتر جاوید اقبال (به عنوان سخن پایانی) و سر فصل‌هایی برای هر یک از بخش‌ها می‌باشد. یازده بخش "افکار پریشان" الحاقی که ده مورد از آن‌ها توسط افضل حق قرشی و در سال ۱۹۸۳ کشف شدند (که در بخش ضمیمه آمده است) به چاپ دوم اضافه شدند و در این مجلد نیز همچنان حفظ شده‌اند اما به طور جداگانه قرار داده شده‌اند. برخی از نوشته‌های طولانی تر اقبال که ارتباطی با دست نوشته‌ها و یا یادداشت‌ها نداشتند، در چاپ دوم گنجانده شدند لیکن اکنون با پیشنهاد ویراستار حذف شده‌اند. آن‌ها را می‌توان در بریده‌های ادبی دیگر یافت که جای اصلی آن‌ها در آن جا بود.

من در زمان ویرایش این کتاب مشاهده کردم که سر فصل‌هایی با نام "جامعه‌ی مسلمانان"^۱ وجود داشتند، سخنرانی که اقبال در دانشگاه مائو^۲

1. Muslim Community
2. MAO College

علیگره^۱ در دسامبر همان سال ایراد کرد. من مقایسه‌های بین سرفصل‌ها و متون یکسان و یا مشابه سخنرانی را به صورت پانوشت در این مجلد آورده‌ام.

از آن جایی که اقبال برخی از نوشته‌ها را جهت چاپ در ۱۹۱۷ در نشر "نیو ارا"^۲ شهر لاکنو^۳ [مرکز استان اوتارپرادش هندوستان-م] مهیا کرده بود، چنین ویرایش‌هایی نیز در پانوشت‌های این مجلد ارائه گردیده‌اند. من در زمان پرداختن به این ویرایش‌ها خود را به شفاف‌سازی‌های متنی و اساسی محدود ساخته‌ام. تمامی این نوشته‌ها با عشق و علاقه‌ی قلبی من جهت ایجاد تمایز بین آن‌ها و سایر مواد ویراستاری شده‌ی در متن اصلی صورت گرفته‌اند.

نظرات و پیشنهادهاتی که توسط آقای سهیل عمر (مدیر آکادمی اقبال^۴ پاکستان) و اساتیدی چون دکتر رفیع الدین هاشمی، دکتر تحسین فراقی و خانم اکرم شوقاتی ارائه شده‌اند بسیار مورد احترام و تحسین هستند. من ممنون و سپاسگذار دکتر جاوید اقبال هستم که اجازه‌ی بازبینی این کار را به من داد. این شخصاً مایه‌ی افتخار من است که در وظیفه‌ی خطیری چون این یاری‌گر ایشان بوده‌ام.

خرم علی شفیق

۱. شهری در شمال هند، ایالت اوتارپرادش

2. New Era
3. Lucknow
4. Iqbal Academy

یادداشت‌های پراکنده، ۱۹۱۰

۱ هنر

هنر یک دروغ مقدس است.

۲ مکاشفه

مکاشفات روحی ما زمانی روی می‌دهد که ما با ذهنی بزرگ ارتباط می‌یابیم. این امر برای من تا زما رویارویی با تصورات بی‌کران گوته^۱ ممکن نشده بود که سبب شد من به ژرفای اندک ذهن خود پی ببرم.

۱. اقبال "Goethe" را "Geothe" تلفظ می‌کرده است که دکتر جاوید اقبال آن‌ها را اصلاح کرده است.

۳ عقلانیت انسان

عقلانیت انسان، به معنای تلاش ذاتی برای انتقاد از خود^۱ می‌باشد.

1. Self-criticism

۴ اقتصادهای خیر

انسان خیر حقیقتاً به غیر خیران کمک می‌کند نه آنان که مفلس و بی چیزند. چرا که آن چه به نیازمندی داده می‌شود حقیقتاً به آن دسته از کسانی عطا می‌گردد که چیزی به نیازمندان عطا نمی‌کنند. بدین ترتیب، ناخن خشکان در حالت عدم اعطای خود باقی می‌مانند و دست و دل بازان به جای آنان پرداخت می‌کنند. این اقتصاد خیران است.

۵ وجود خدا

دوستانم اغلب از من می‌پرسند: "آیا تو به وجود خدا اعتقاد داری؟" به نظرم می‌آید من پیش از آن که به این پرسش پاسخ دهم، باید معنای واژگان به کار رفته در این عبارت را درک کنم. باید دوستانم این را به من می‌گفتند که منظورشان از "باور داشتن" و به ویژه "وجود" و "خدا" چیست اگر آنان خود درکی از آنها دارند؛ و هر کجا که من به بررسی آنها می‌پردازم، به این نکته می‌رسم که آن کلمات را حتی درک نیز نمی‌کنند.

۶ گفتمان

قلب - "یقیناً خداوند وجود دارد".

مغز - "اما فرزند عزیز من! وجود در حیطه‌ی اختیار من است و تو

حقی نسبت به آن نداری".

قلب - "خب چه بهتر، ای ارسطوی من!"

۷ به هیچ راضی شدن

بطالت ارزشی اقتصادی در ما دارد. به جای این که مرا "تکنیسین بیمارستان" بخوانید، "دستیار جراح" صدایم کنید و من راضی هستم حتی اگر حقوق مرا افزایش ندهید.